

پیام حکم معاونت راهبردی پزشکیان برای ظریف به تندروها | چهار مقطع «زندگی سیاسی» ظریف در ۱۱ سال گذشته / دیپلماتی که نتوانستند حذفش کنند



ظریف بر جایگاه معاونت راهبردی دولت پزشکیان تکیه زده است، آنهم وقتی تندروها تصور می‌کردند با هجمه‌هایی که علیه ظریف کرده‌اند، پزشکیان برای دادن حکم به او دچار تردید می‌شود و در نهایت پا پس می‌کشد؛ اما نه تنها اینطور نشد که با این حکم مدیریت نهادی مشورتی در راستای تصمیم‌سازی را به ظریف واگذار کرد.

محمدحسن نجمی: از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۳؛ شاید این ۱۱ سال برای محمدجواد ظریف یکی از سخت‌ترین دوران زندگی سیاسی بود؛ دورانی که با سختی وزارت خارجه و مهمترین ماموریت او که مذاکرات پرونده هسته‌ای ایران بود، آغاز شد و حالا در نیمه‌های ۱۴۰۳ با معاونت راهبردی ریاست جمهوری برای ظریف ادامه دارد.

۴ مقطع سیاسی در زندگی آقای دیپلمات

با نگاهی به این بیش از یک دهه زندگی سیاسی ظریف، این مقطع را می‌توان به ۴ بخش تقسیم کرد.

نخستین و طولانی‌ترین مقطع، از شهریور ۱۳۹۲ که به عنوان وزیر امور خارجه ایران از مجلس یکدست اصولگرا و نسبتاً تندروی نهم رای اعتماد گرفت، شروع می‌شود تا اردیبهشت ۱۴۰۰ که فایل صوتی مصاحبه محرمانه منتشر شد.

مقطع دوم مربوط است به دوران سکوت ظریف؛ از زمان انتشار فایل صوتی او که در اواخر دوران وزارتش بود تا خرداد ۱۴۰۳؛ سه سال سکوت.

سومین مقطع که شاید به نوعی احیای ظریف بود، از خرداد ماه تا ۱۵ تیر ماه ۱۴۰۳ است که بسیاری نقش او در این حدودا ۴۵ روز را، نقش یک سیاستمدارِ رئیس‌جمهورساز یاد می‌شود.

و **چهارمین مقطع** که البته در جریان است، مقطع پسا انتخاباتی ظریف است که با ایفای نقش در قامت رهبری تیم مشاوران مسعود پزشکیان برای نامزدهای وزارتخانه‌ها باعث شد تا دوباره صدای مخالفان قدیمی‌اش بالا برود و حالا بعد از حکم پزشکیان برای او به عنوان معاون راهبردی رئیس‌جمهوری، پروژه‌های ریز و درشتی علیه او اجرا شود؛ مانند آنچه در زمان برجام رخ می‌داد.

مقطع اول؛ وزارت تا اردیبهشت ۱۴۰۰

ظریف مقطع نخست، یعنی از زمان وزارت تا اردیبهشت ۱۴۰۰ دوران آرامی نداشت. این بازه زمانی برای ظریف پر بود از چالش‌ها و توفان‌های سهمگینی که از داخل و خارج بر سر او نازل می‌شدند. آن زمان مذاکرات هسته‌ای از نیویورک و در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل آغاز شد؛ آن هم از ملاقات با جان کری وزیر امور خارجه آمریکا در قالب اجلاس وزرای خارجه ۵+۱ و ایران؛ آغازی که با واکنش‌های تندی در تهران روبرو و دستمایه حملات تندی به وزیر خارجه شد.

پس از آن توافق موقت ژنو شکل گرفت که حجم آتش توپخانه تندروها علیه ظریف روندی صعودی گرفت؛ از آن زمان به موازات پیشرفت مذاکرات هسته‌ای حملات به تیم مذاکره‌کننده ایرانی که ظریف سرپرستی آن را برعهده داشت، بیشتر و بیشتر می‌شد. آنها از هر طریقی سعی داشتند تا وزیر خارجه را زیر ضرب خود ببرند و در همان مختصات نگه دارند. حتی تعریف و تمجیدهای رهبری هم اثری در جماعت تندرو نداشت و آنها کار خود را می‌کردند.

حصول توافق در تیر ماه ۱۳۹۴، نقطه جوش حملات به ظریف در این مقطع

بود؛ مخالفان تندرو که هیچ فرصتی را برای زدن او از دست نمدادند، موقعیتی عالی پیدا کردند؛ از این جهت عالی که آنها به سخنان و گفته‌های طرف‌های مذاکراتی ایران در ۵+۱ استناد می‌کردند؛ سخنانی که به خصوص در کشورهای غربی و علی‌الخصوص آمریکا، برای آرام کردن مخالفان توافق بیان می‌شد؛ تندروها یک روز حرف‌های جان کری را دستمایه حمله به ظریف می‌کردند و یک روز سخنانی باراک اوباما رئیس‌جمهوری وقت آمریکا را؛ این نهضت در میان تندروها حتی سال‌ها بعد نیز همچنان ادامه دارد و کار به جایی رسید که در ترجمه کتاب خاطرات وندی شرمین مذاکره‌کننده آمریکایی دست بردند و جملاتی را به دروغ به آن اضافه کردند تا مذاکره‌کنندگان ایرانی را زیر سوال ببرند؛ جالب آن فردی که دست به جعل زد، بعدها در دولت سیزدهم صندلی مهمی را تصاحب کرد که مربوط به سیاست خارجی نیز می‌شد.

در مقطع حصول توافق در تیر ماه تا اجرای آن در دی ماه ۱۳۹۴، تحرکات و اقدامات سنگینی برای ضربه زدن به برجام صورت می‌گرفت؛ بخشی از این اقدامات از سوی حسن روحانی و اسحاق جهانگیری در مناظره‌های انتخاباتی سال ۱۳۹۶ بیان شد؛ این اقدامات چنان سنگین و اثرگذار بودند که حسن روحانی چند ماه پیش در یک سخنرانی گفت که «مخالفان پنج اقدام برای برهم زدن برجام انجام دادند که آخرین آن، حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران بود»؛ حمله‌ای که ۱۰-۱۲ روز قبل از زمان اجرایی شدن برجام بود و فضای سنگینی در صحنه بین‌المللی علیه ایران ایجاد کرد.

ظریف در طول این دوران با هجمه‌های سختی روزگار گذراند؛ اما مهمترین ضربه‌ای که به او وارد شد، همان درز دادن فایل صوتی مصاحبه‌ای غیرقابل انتشار بود که بخش‌هایی از آن به صورت گزینش شده در رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور منتشر شد.



مقطع دوم؛ اتهام‌زنی‌ها در سکوت

در مقطع دوم که از اواخر دوران وزارتش تا انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم است، ظریف ترجیحش سکوت بود.

در واقع ظریف از زمانی که فایل صوتی یک مصاحبه غیرقابل انتشارش درز داده شد، دیگر از آن نقش‌آفرینی خود نیز دور افتاد. آنطور که محمود واعظی رئیس دفتر حسن روحانی در دولت دوازدهم گفته، آنهایی که این فایل را درز داده بودند، احساس می‌کردند که ظریف ممکن است برای انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم در سال ۱۴۰۰ نامزد شوند و قصد داشتند با این کار او را از دور خارج کنند؛ هرچند ظریف همواره تاکید دارد که هیچگاه قصد چنین کاری نداشته، اما آنها با این کار توانستند او را از دور سیاست خارج کنند و بر حجم تخریب‌هایشان بیفزایند.

بعد از پایان دولت دوازدهم، با روی کار آمدن دولت سیزدهم، مقامات دولتی از بالاترین سطح تا مدیران میانی با انواع و اقسام روش‌ها و در هر فرصتی که دست می‌داد، علیه او و دولت حسن روحانی سخن می‌گفتند و بعضا تهمت می‌زدند و در امپراتوری رسانه‌ای تندروها

بازتاب گسترده داده می‌شد. ظریف در این حدود ۳ سال سعی کرد پاسخی ندهد و سکوت پیشه کند. اما دولتی‌ها و هواداران تندروی دولتی‌ها، سکوت او را حمل بر پاسخ نداشتنش می‌گذاشتند و هر دفعه حملاتشان را تندتر می‌کردند؛ اقدامی که برخی آن را اشتباه می‌دانستند؛ چرا که با اتخاذ موضع سکوت برابر حملات، دست حمله‌کنندگان را برای حملات بعدی باز و بازتر می‌کرد.

مقطع سوم؛ بازگشت به سیاست

مقطع سوم، دوره بازگشت ظریف به سیاست است؛ در این بازه زمانی ظریف برای حمایت از پزشک‌ها که تک‌نامزد غیراصولگرا بود، پاشنه کفش‌اش را برکشید و شهر به شهر رفت و تجمع به تجمع سخنرانی کرد و حتی در اقدامی که شاید برای او بی‌سابقه بود، از تریبون حساب تویتری خود، به زبان فارسی و در حمایت از پزشک‌ها مطالبی منتشر می‌کرد؛ این اقدام از آن جهت چشمگیر بود که ظریف همواره از این حساب برای پیشبرد دیپلماسی عمومی در سطح بین‌المللی استفاده می‌کرد و سعی بر آن داشت تا پیام‌هایش برای طرف‌های مقابل ایران را به خصوص در زمان وزارت خارجه، از این طریق برساند.

ظریف در طول مدت انتخابات شانه به شانه با پزشک‌ها همراه بود و رئیس سیاست خارجی در زمان تبلیغات را باید تحت تاثیر او دانست. اوج و شاید آغاز نقش‌آفرینی ظریف حضورش در صداوسیما به عنوان مشاور پزشک‌ها در جریان یک میزگرد سیاست خارجی بود که به طور زنده پخش می‌شد؛ او در پایان برنامه حدود ۱۰-۱۱ دقیقه فرصت داشت تا صحبت کند؛ همین ۱۰-۱۱ دقیقه کافی بود تا ۱۰-۱۱ سال حملات را پاسخ دهد؛ دورانی که حدوداً سه سال آخرش، بر او سخت گذشته بود؛ آن ۱۰-۱۱ دقیقه ظریف به صورت فشرده و روی دور تند، به بخشی از اتهاماتی که در این بیش از یک دهه و علی‌الخصوص در این سه سال اخیر به او زده شده بود، پاسخ داد؛ همین کافی بود تا تندروها دوباره یاد قدیم‌ها بیفتند حمله به ظریف را آغاز کنند. آنها در فضای مجازی و حقیقی، در مناظره‌های انتخاباتی از طریق نامزدهای پوششی و غیر پوششی و با استفاده از امپراتوری رسانه‌ای‌شان حمله به ظریف را آغاز کردند.

همین باعث شد تا ظریف هم دیگر تعارف را کنار بگذارد و بیش از قبل درباره خطر تندروها صحبت کند؛ صحبت‌هایی که گرچه از سوی امپراتوری رسانه‌ای تندروها بایکوت می‌شد، اما در فضای مجازی دست به دست می‌شد. در واقع ظریف توانست در کنار پزشک‌ها و گروه‌ها و اشخاص

حامی او، نقش پررنگی در کشاندن انتخابات به مرحله دوم و پیروزی پزشکیان در آن مرحله داشته باشد.

آن ۱۰-۱۱ دقیقه برای طریف از این جهت مهم بود که در مقطع دوم یعنی از اردیبهشت ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۳، سکوت کرده بود و در واقع تریبون فراگیری نداشت.

چهارمین مقطع؛ ماندن و ادامه دادن

در چهارمین مقطع که تازه شروع شده، طریف ابتدا مسئولیت ریاست شورای راهبری انتخاب وزرای دولت چهاردهم را پذیرفت؛ اقدامی که باعث شد تا جریان‌اتی که همواره علیه او بودند، این بار تندتر از زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری علیه او بسیج شوند. مخالفان او حمله و هتاک‌ی و توهین به طریف را مانند دارویی که باید سرفوت باشد و مکرر، انجام می‌دادند و می‌دهند؛ حرفی نبود که علیه او و شورای راهبری گفته نشود؛ از حامی «همجنس‌بازان» گرفته تا غرب‌گرا و غرب‌زده.

آنها مخالف هرگونه ایفای نقش طریف در دولت چهاردهم هستند و از هر روزه‌ای نهایت استفاده را می‌کنند تا او را زیرضرب ببرند؛ وقتی هم که کسی به آنها معترض می‌شود، در منقبت و ستایش آزادی بیان صحبت می‌کنند!

اوج این حملات در مقطع چهارم زمانی بود که طریف پس از کش و قوس‌های زیاد در صدا و سیما حاضر شد تا درباره فرآیند و نحوه کارکرد شورای راهبری صحبت کند؛ وقتی او تبعیض مثبت برای اقلیت‌های قومیتی و مذهبی موضوعی که پزشکیان بارها بر آن تاکید داشته، صحبت کرد، در اقدامی که به نظر هماهنگ شده و سازمان یافته به نظر می‌رسید، شبکه‌های اجتماعی پر شد از طریف؛ البته علیه طریف؛ از انتقاد و مخالفت گرفته تا توهین و هتاک‌ی و تهمت و فحاشی. آنها صغیر و کبیرشان را به میدان آوردند تا طریف را بکوبند؛ سردهسته‌های مخالفان طریف حتی به نحوی صحنه‌آرایی کردند که عده‌ای در نماز جمعه تهران شعارهای هتاکانه‌ای علیه او سر بدهند؛ «طریف گورت رو گم کن». رسانه‌های علامت‌دار نیز روزی نبود که علیه او هتاک‌ی نکنند. با این وجود، طریف در مراسم تنفیذ در حسینیه امام خمینی و تحلیف در مجلس شورای اسلامی حاضر شد تا خطاب به مخالفانش بگوید بگرد تا بگردیم!

اما بعد از این دو مراسم، و وقتی پس از انتخاب معاون اول،

پزشکیان در حکمی ظریف را به معاونت راهبردی رئیس جمهور منصوب کرد؛ حکمی که باعث فوران خشم مخالفان وزیر خارجه اسبق شد.



پیام حکم پزشکیان برای تندروها

با تمام این اوصاف، حالا ظریف در جایگاه معاونت راهبردی رئیس جمهوری تکیه زده است؛ تندروها شاید تصور می‌کردند با همه‌هایی که علیه ظریف کرده‌اند، پزشکیان برای دادن حکم به او دچار تردید می‌شود و در نهایت پا پس می‌کشد؛ اما نه تنها اینطور نشد که با این حکم مدیریت نهادی مشورتی در راستای تصمیم‌سازی یعنی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری را به ظریف واگذار کرد. پزشکیان که در این مدت بی‌سر و صدا مشغول کار خودش شده است، با این حکم نشان داد که هیاهوها و هتاکه‌هایی که حالا به تریبون‌های نماز جمعه نیز کشیده شده، تاثیری در روند تصمیم‌گیری‌اش ندارد.